

تبیین مفهومی ژئوپلیتیک شیعه (ارئه تعریفی جدید)

دکتر سید عباس احمدی^۱ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸

چکیده

یکی از مفاهیمی که در دو دهه گذشته به شدت مورد توجه و علاقه محققان و نویسندگان حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به خصوص در ایران قرار گرفته مفهوم ژئوپلیتیک شیعه است. حجم مقالات، مطالب و کتب منتشر شده در این زمینه به گونه جالب توجهی رو به افزایش است. این در حالی است که بسیاری از این مطالب یا تعریف مشخص و روشنی از ژئوپلیتیک شیعه ارائه نکرده و یا برداشت‌های نامرتبط و گاه ضد و نقیضی از آن داشته‌اند. به نظر می‌رسد عدم شفافیت و ثبات نسبی در این اصطلاح، روز به روز بر ابهام آن افزوده و سرگردانی‌ها و مشکلاتی را در آینده به وجود خواهد آورد. بنابراین تبیین مفهومی و ارائه تعریفی نسبتاً جامع که بتواند به هویت علمی آن کمک کند ضرورتی غیرقابل انکار است. در این مقاله نگارنده با روش توصیفی تحلیلی، ضمن بررسی تعاریف و دیدگاه‌های ارائه شده از سوی صاحب‌نظران و نویسندگان درباره ژئوپلیتیک شیعه، تعریف جدیدی را بر پایه واقعیت‌های علمی و جغرافیایی ارائه می‌دهد که نسبت به دیگر تعاریف از جامعیت بیشتری برخوردار است. بر این اساس در تعریف جدید، ماهیت پویای تحولات سیاسی و نسبت اثرگذاری و اثرپذیری آنها با واقعیت‌های جغرافیایی اصالت داشته و مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. واژه‌های کلیدی: شیعه، ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شیعه، جغرافیای سیاسی، هلال شیعی.

* E-mail: abbas_ahmadi@ut.ac.ir

۱- مقدمه

جهان امروز جهان دانش و اندیشه است. علم و دانش است که مسیر زندگی انسان را مشخص و هدایت می‌کند. سرمایه اصلی و توان حقیقی هر کشوری به سطح علمی آن بستگی دارد. چرا که در جهان امروز، پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. پس بدیهی است که پژوهش و تولید علم و فناوری از مهمترین عناصر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی کشورها به حساب آید.

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان، که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و فناوری و میزان ثروت اقتصادی و قدرت نظامی کشورها و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی، و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط کشورها با یکدیگر پیوسته در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت، ضرورت مطالعه علمی دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز تأثیرات و پیامدهای این پدیده‌ها بر روابط بین‌المللی و حیات ملت‌ها را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و عرصه مطالعاتی و پژوهشی گسترده‌ای را فراروی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی کشورها قرار می‌دهد.

یکی از این عرصه‌های پژوهشی عرصه‌ای است که می‌توان آنرا ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی نامید. ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی بر پایه جایگاه و اثرگذاری مذاهب، نژادها، فرهنگ‌ها، اقوام، سیاست‌ها، طبقات، فضاها، مکانها و غیره بنا می‌شود و تکامل می‌یابد (Hafeznia, 2015: 9). در همین رابطه به کارگیری و رایج کردن اصطلاحات نو برای مفاهیمی چون اسلام و شیعه از دو دهه پیش مورد توجه پژوهشگران عرصه مطالعات جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفته است. به خصوص بروز تحولاتی نظیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که به‌طور ذاتی برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه و جهان تلاش می‌کند (Pishgahifard & et al, 2015: 8) و موفقیت‌های حزب الله در لبنان، موجب شده ایفای نقش شیعیان در کانون تحولات قرار گیرد. عوامل مزبور به همراه استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی همراه با توانمندی

ژئواکونومیک بالا، سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپلیتیک قدرتمند گردیده است (Gause, 2010:118).

این فرایند به خصوص از زمان حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ بیشتر تقویت شد و گروه‌های شیعیان در کشورهای خود بیشتر به چشم آمدند. در واقع با حمله آمریکا به عراق، فرصتی برای شیعیان این کشور پیدا شد که نه تنها با اکثریت خود سیاست را به دست بگیرند، بلکه به اولین کشور عرب شیعه تبدیل شوند (Nasr, 2007 :11).

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از دید نوع پژوهش، بنیادی به شمار می‌رود. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و از کتب، مجله‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی استفاده شده است.

۳- یافته‌های پژوهش؛ بررسی دیدگاه‌های موجود در باره ژئوپلیتیک شیعه

۳-۱- ژئوپلیتیک شیعه از دیدگاه توال

به نظر می‌رسد که «فرانسوا توال^۱»، محقق فرانسوی در به‌کارگیری واژه ژئوپلیتیک برای شیعه یا تشیع پیشگام باشد. کتابی که او در سال ۱۹۹۵م با عنوان *Geopolitique du chisme* به زبان فرانسوی نوشت، سه بار در ایران بوسیله آقایان علیرضا قاسم آقا (2000)، حسن صدوق (2001) و خانم کتایون باصر (2003) ترجمه و چاپ شد.

توال مذهب شیعه را به‌عنوان موضوعی که از ماهیت ژئوپلیتیک برخوردار است، در نظر گرفته و چنین استدلال می‌کند که نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان، مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح جهان تأثیرگذار است. برای مثال شیعیان ساکن در کرانه‌های خلیج فارس، دارای اهمیت ژئوپلیتیک هستند، چرا که هفتاد درصد نفت جهان که برای ادامه حیات و رشد اقتصادی جهان حیاتی است، در این منطقه واقع شده و هر گونه تحول و ناآرامی در این منطقه می‌تواند پیامدهای

۱- Francois Thual

اقتصادی و سیاسی گسترده ای را به همراه داشته باشد (Thual, 2003: 20). توال همچنين پراکندگی جغرافیایی شیعیان و نقاط استقرار آنها و نیز نوع عقاید آنان را از دیدگاه ویژه خویش مورد توجه قرار داده و میزان خطرسازی گروههای شیعه برای جهان سرمایه‌داری غرب را مورد ارزیابی قرار داده و سعی نموده است تا هشدارهای لازم در جهت پیشگیری از خطرات احتمالی را به کشورهای غربی ارائه نماید. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پدیده شیعه‌گری در حقیقت رفته رفته در کانون بیشتر درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. اکثر شیعیان در مراکز و مناطق حساس ژئوپلیتیکی جهان ساکن هستند. این مسئله قدرتی به آنها بخشیده است که می‌توانند جهان را با چالش روبرو کنند (Ibid: 172). به این ترتیب نویسنده کوشیده است با استفاده از پیشینه تاریخی تشیع و نحوه پراکندگی جمعیتی شیعیان و مراکز قدرت آنها، منظری ژئوپلیتیک ارائه دهد.

او معتقد است انقلاب اسلامی در ایران و جنگهای داخلی در لبنان، شیعه‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیکی در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است. توال در اقتدار نهضت شیعه از دو مفهوم ژئوپلیتیک داخلی و خارجی نام می‌برد. ژئوپلیتیک داخلی عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست‌های داخلی کشور و ژئوپلیتیک خارجی نیز عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (Ibid: 177).

گرچه نمی‌توان توفیق توال را در ارائه تصویری ژئوپلیتیک از جهان تشیع نادیده گرفت، اما اثر او از زوایای بسیاری جای نقد و ارزیابی دارد. بویژه آنکه امروزه نقش‌آفرینان جدیدی در جهان تشیع سر بر آورده‌اند. مقاومت شیعیان جنوب لبنان در برابر اسرائیل و دستیابی شیعیان به مراکز تصمیم‌گیری در عراق، از تحولاتی است که در آینده شیعیان مؤثر خواهد بود (Safari & Alami, 2014: 42).

توال مدعی است که نظریه اصلی او قدرت گرفتن عامل شیعه در روابط بین‌المللی است (Thual, 2003: 16). به همین دلیل این پرسش را مطرح می‌کند که آیا در آینده، پدیده شیعه به مثابه یک عامل ژئوپلیتیکی عمل خواهد کرد؟

نهایتاً درباره دیدگاه توال می توان گفت که از نظر ساختار کلی بیشتر جنبه جغرافیایی دارد و البته برای اولین بار به جمع آوری آمار و جمعیت شیعیان پرداخته و مناطق استقرار آنان را مشخص نموده است. وی با دیدی جغرافیایی اولین نگاه روشمند را به وضعیت پراکندگی شیعیان در جهان داشته است (Ahmadi, 2011: 37). در عین حال بیشتر توصیفاتش از کشورهای مختلف نشان می دهد که او گفتمانی واحد از ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی ارائه می دهد و از نظر او شاید تفاوتی بین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی وجود نداشته باشد. بنابراین برای این تألیف، عنوان «جغرافیای سیاسی شیعه» مناسبتر به نظر می رسد. چرا که در آن از نقش شیعه به مثابه عاملی هویتی سخن به میان آمده نه از نقش جغرافیا و محیط بر سیاست های جهانی که موضوع ژئوپلیتیک است (Safari Foroushani & Alami, 2014: 45). همچنین برخی دیدگاههای او در رابطه با ژئوپلیتیک شیعه، از جمله علل خیزش شیعی عصر ما و نیز امکان تشکیل یک اتحادیه شیعی در آینده، با واقعیت همخوانی ندارد و تا حد زیادی ناشی از نیات و انگیزه های سیاسی نویسنده است (Saradar & Yasini, 2012: 331).

۲-۳- تعریف مایل افشار از ژئوپلیتیک شیعه

شاید یکی از نخستین تعاریف درباره ژئوپلیتیک شیعه را خانم فرحناز مایل افشار ارائه داده باشد. وی در یادداشتی که در تاریخ ۵ خردادماه ۱۳۸۳ در روزنامه سیاست روز منتشر کرد، چنین نوشت: «اگر بخواهیم به واژه ژئوپلیتیک شیعه دست یابیم، باید به گذشته، بویژه به زمان جنگ سرد، بازگردیم. در زمان جنگ سرد، منطقه اوراسیا، مرکز جهان یا به عبارتی هارتلند به شمار می آمد. در آن زمان، انتقال انرژی و دسترسی به آن و مفاهیمی از این قبیل، رئوس اصلی ژئوپلیتیک به حساب می آمد؛ اما بعد از ارائه تز برخورد تمدن ها از سوی هانتینگتون، شاهد سیاسی شدن هویت های فرهنگی، قومی، مذهبی و ... بودیم که ژئوپلیتیک شیعه در این چارچوب فکری و استراتژیکی قرار گرفت» (Mayel Afshar, 2004: 5). مایل افشار سپس ژئوپلیتیک شیعه را چنین تعریف می کند: «ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است» (Ibid).

بدین ترتیب از دید این نویسنده، حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیک شیعیان هم در کنار آن در نظر گرفته شود. ژئوپلیتیک تشیع از نظر او، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در دیگر کشورها و با در نظر گرفتن موقعیت محوری ایران است. در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی بخش‌های وسیعی از جهان اسلام را در بر می‌گیرد و مناطقی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، جهان اسلام را در حالتی از تحولات دائمی انقلابی با گرایش‌های ضداستبدادی (در حوزه داخلی) و ضداستعماری (در حوزه خارجی) قرار داده است.

تعریف ارائه شده از سوی مایل افشار از یک طرف به دلیل متقدم بودن، مورد توجه و ارجاع بسیاری از دیگر محققان قرار گرفته که در سالهای بعد در این زمینه مطلب نوشته‌اند. از طرف دیگر از نظر محتوا بر جنبه بین‌المللی و فرامرزی مبحث ژئوپلیتیک و بالتبع ژئوپلیتیک شیعه تأکید داشته و همزمان از موقعیت مرکزی شیعیان ایران هم از حیث جمعیت و هم از حیث نوع پراکندگی غافل نبوده است. در عین حال از نظر جمله‌بندی و ادبیات به موضوع هلال شیعی نزدیک شده و مشخص است که نویسنده در آن زمان تحت تأثیر ادبیات غالب هلال شیعی بوده و نتوانسته مرز روشنی بین این دو اصطلاح تمیز دهد.

۳-۳- دیدگاه فاضلی‌نیا درباره ژئوپلیتیک شیعه

نفسه فاضلی‌نیا از نویسندگانی است که نظریه «ساختار - کارگزار» را پایه مطالعات خویش قرار داده و بر اساس آن به تحلیل دلایل نگرانی غربیان از انقلاب اسلامی و تهدید منافع آن پرداخته است. در دیدگاه وی، شیعیان منطقه خلیج فارس، بویژه اثرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای عراق، عربستان، بحرین، کویت و امارات عربی متحده مورد تأکید قرار گرفته است.

فاضلی‌نیا در مقدمه کتابی که با عنوان «ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده است می‌نویسد: به دلیل آنکه غربی‌ها، انقلاب اسلامی را یک انقلاب

شیعی تصور می‌کنند، از ایدئولوژی تشیع، که به نظر آنها یک ایدئولوژی انقلابی است، می‌ترسند. آنها همچنین معتقدند: شیعیان غالباً در مناطق حساس ژئوپلیتیکی سکونت دارند و همین امر به همراه ایدئولوژی انقلابی آنها، منافع غرب را در منطقه به خطر می‌اندازد. به همین دلیل، همواره از پیامدهای منطقه‌ای انقلاب اسلامی بیم داشته و در صدد کنترل ایران، به‌عنوان کشوری بوده‌اند که موقعیتی ویژه در ژئوپلیتیک شیعه دارد (Fazeli nia, 2007: 14).

به نظر می‌رسد که فاضلی‌نیا به خوبی توانسته است دلایل نگرانی غرب را از انقلاب اسلامی در چهارچوب نظریه «ساختار - کارگزار» تحلیل نماید. چرا که حساسیت غرب را نسبت به ایران بعد از انقلاب، بر اساس رابطه متقابل و دیالکتیک میان ساختار (ویژگی‌های ژئوپلیتیک شیعه و پراکندگی جغرافیایی شیعیان در آن) و کارگزار (ایدئولوژی انقلابی تشیع) مورد توجه قرار می‌دهد.

البته نباید فراموش کرد که انقلاب ایران یک انقلاب صرفاً شیعی نبود، بلکه انقلابی اسلامی بود و بنیانگذار انقلاب نیز در بیشتر گفته‌ها و نوشته‌های خویش، بر اسلامی بودن و نه شیعی بودن آن تأکید می‌ورزید. تأثیرپذیری کشورهای مثل فلسطین، مصر و الجزایر از انقلاب اسلامی که فاضلی‌نیا به آن اشاره کرده است، نیز خود نشان می‌دهد که انقلاب ایران فراگیرتر از شیعه بوده است. چرا که این کشورها اساساً کشورهای سنی مذهبند و شیعیان در آنها جایگاهی ندارند (Ahmadi, 2011: 38). همچنین به نظر می‌رسد که چهارچوبهای جغرافیایی فاضلی‌نیا از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار نیست. او در تعیین کشورهای ایران متأثر شده اند، هیچ ملاک مشخصی ندارد. از یک طرف، وی از کشورهای با مذهب تسنن (فلسطین) و یا در فواصل دور جغرافیایی مثل شمال آفریقا (مصر و الجزایر) سخن به میان آورده است. از سوی دیگر، علی‌رغم اینکه عنوان کتاب ژئوپلیتیک شیعه است، هیچ‌گونه اشاره‌ای به جمهوری شیعه مذهب آذربایجان، کشوری در همسایگی ایران با جمعیت ۷۵ درصدی شیعه و با تاریخ و فرهنگ مشترک با ایران نشده است. همچنین کشور سوریه، با تعداد قابل توجهی از شیعیان و با داشتن روابطی محکم و استراتژیک با ایران مورد غفلت قرار گرفته است. یمن نیز در حاشیه جنوبی شبه جزیره عربستان، مورد مشابهی است که در کتاب بحثی درباره آن نشده است.

۴-۳- نظر حافظنیا درباره ژئوپلیتیک شیعه

از دیدگاه دکتر محمدرضا حافظنیا، ژئوپلیتیک شیعه مفهومی خاص برای سازه انسانی و جامعه مذهبی است که از هویت مذهبی شیعه در جهان برخوردار است و به مفهوم تقلای سازه انسانی شیعه در جهان برای قلمروسازی، بازساخت هویت، انسجام و منزلت‌یابی در سیستم دینی/مذهبی و نظام قدرت در مقیاس‌های جهانی و منطقه‌ای می‌باشد. سازه شیعی جهان با الهام از موقعیت رهبری ایران در سازه، توانسته است فرصت‌های خوبی را در ابعاد فوق کسب کند که البته به حساس شدن سازه‌های رقیب و واکنش تند آن‌ها نسبت به سازه شیعه نیز انجامیده است. به نظر می‌رسد سازه شیعه تا دستیابی به منزلت طبیعی خود در خاورمیانه و جنوب غرب آسیا به تقلای سیاسی خود ادامه دهد (Hafeznia, 2015: 9).

چنین به نظر می‌رسد که مفهوم ژئوپلیتیک شیعه از نظر حافظنیا یک مفهوم ترکیبی است که علاوه بر زمینه‌های جغرافیایی چون تلاش برای قلمروسازی و انسجام، در حال قدرت‌یابی است و این مهم از طریق موقعیت رهبری ایران در کانون محقق شده است. از این منظر ویژه، این اصطلاح می‌تواند در کنار دیگر اصطلاحات قرار گرفته که بر دیگر سازه‌های انسانی و مذهبی جهان اطلاق می‌گردند نظیر: ژئوپلیتیک سنی، ژئوپلیتیک کاتولیک، ژئوپلیتیک یهود، ژئوپلیتیک هندو، ژئوپلیتیک فرانکفونی و غیر آن که وی از آن‌ها تحت عنوان ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی (مذهبی، نژادی، فرهنگی، قومی، سیاسی، طبقاتی، فضایی/مکانی و غیره) یاد می‌کند (Ibid).

۴-۳-۵ ژئوپلیتیک شیعه از دیدگاه همدانی

دکتر احمد کلاه مال همدانی یکی از معدود نویسندگانی است که تلاش کرده تعریفی نسبتاً جامع و علمی از ژئوپلیتیک شیعه ارائه دهد. به باور او «ژئوپلیتیک شیعه دانش مدیریت سرزمین‌ها، جوامع و سازمانها با خاستگاه اندیشه‌ها و سیاست‌های شیعی ولایی محور و عدالت‌جو در سه سطح محلی (کشوری)، منطقه‌ای و جهانی به‌منظور ساماندهی مناسبات و روابط سیاسی برای استفاده بهینه از توانها و ظرفیت‌های خدادادی در حوزه فضایی و جغرافیایی است» (Kolahmal, 2012: 361). این اندیشه از نظر وی بر ولایت الهی و عدالت تأکید داشته و معتقد

است ادبیات جدید سیاسی که برخاسته از اندیشه‌های انقلاب اسلامی است، در تقسیم منابع و منافع و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی و جغرافیایی با تعهد ذاتی انسان نسبت به مطلق وجود (خداوند) رابطه‌ای عدالت‌محور و بهینه در نظام نوین جهانی به وجود خواهد آورد. این امر نظامی می‌آفریند که در آن تعادل سیستمی برقرار باشد. در واقع در آن نظام نه ظلم باشد و نه مظلوم. بنابراین انسان می‌تواند بهترین تصمیم را در بهره‌برداری از محیط داشته باشد (Ibid).

چنین به نظر می‌رسد که نگاه همدانی به ژئوپلیتیک شیعه به گونه‌ای است که آنرا در حوزه ژئوپلیتیک ایدئولوژیک قرار می‌دهد. این رویکرد ویژه که مورد تأکید او است، از ویژگی‌های اسلامی الهی‌محور، عدالت‌جو، متعادل و ولایی‌محور برخوردار است و باید در تقسیم سرزمین‌ها همواره این ظرفیت‌ها و شاخص‌ها مورد توجه قرار گیرد.

۶-۳- ژئوپلیتیک شیعه در باور جاودانی مقدم

دکتر مهدی جاودانی مقدم در تعریفی متفاوت ژئوپلیتیک شیعه را چنین تعریف می‌کند: «ژئوپلیتیک تشیع از دیالکتیک دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت، از یک سو روایت انتقادی بازنمایی هویت فردی و جمعی شیعیان در اظهار نارضایتی از شرایط موجود و تلاش در تبدیل آن به وضعیت مطلوب و از سوی دیگر ساخته‌ای گفتمانی در ژئوپلیتیک مسلط برای حفظ شرایط موجود در توازن قدرت در خاور میانه است (Javedani moghaddam, 2012: 31).

آن‌طور که از تعریف جاودانی مقدم بر می‌آید ژئوپلیتیک شیعه را می‌توان دیالکتیک دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت و در قالب پروسه‌ای در پس یک پروژه، سازه‌ای گفتمانی دانست که هم برساخته و هم سازنده است.

۷-۳- نگاه تاریخی مجتهد زاده به ژئوپلیتیک شیعه

از دیدگاه دکتر پیروز مجتهد زاده ژئوپلیتیک شیعه در سراسر تاریخ ایران منحصر و محدود بوده است به ابتکار حیرت‌انگیز شاه اسماعیل صفوی در رسمیت بخشیدن به تشیع در ایران به‌عنوان

عامل آیکونوگرافیک^۱ شکست‌ناپذیری که نه تنها از پیشرفت سیاسی عثمانی در خاور جهان اسلام به بهانه خلافت اسلامی جلوگیری کرد، بلکه کشور و ملت ایران را پس از قرن‌ها نبودن، از دل تاریخ بیرون کشیده و واقعیت جغرافیایی-سیاسی پر خروش و پایان‌ناپذیری داد... این دوباره پیدایی جغرافیایی-سیاسی که در حقیقت رنسانس دوم ایران بود، ژئوپلیتیک شیعه را در اوج اثرگذاری‌ها، برای نخستین بار در تاریخ به جلوه درآورد و به نتایج دلخواه رسانده و جاودانه ساخته است (Mojtahedzadeh, 2007: 74). به این ترتیب ژئوپلیتیک شیعه از دیدگاه مجتهدزاده به یک واقعیت علمی در مطالعات ژئوپلیتیکی منطقه خاور میانه اشاره دارد که در درازای تاریخ اثربخشی سیاسی خود را نشان داده و ثابت کرده ولی در قیاس با تحولات ژئوپلیتیکی جهان امروز، نقش‌آفرینی برنامه‌ریزی شده‌ای را آغاز نکرده است (Mojtahedzadeh, 2012: 142).

۸-۳- رویکرد یکسان‌انگاشتن ژئوپلیتیک شیعه با هلال شیعی

در دسامبر ۲۰۰۴ زمانی که از یک‌سو، بحران هسته‌ای ایران به اوج خود رسیده و از سوی دیگر، عراق به سمت جنگ داخلی شتاب گرفته بود، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن ادعا کرد: نتیجه اصلی جنگ در عراق، شکل‌گیری یک «هلال شیعی» تحت سلطه ایران بوده است (Walker, 2007: 1) و (Black, 2007). این مسئله باعث شد نهادهای سیاسی-امنیتی محافظه کار اهل سنت منطقه نسبت به افزایش قدرت نفوذ شیعیان، بویژه ایران، و پیدایش نوعی هلال شیعی مؤثر در منطقه اظهار نگرانی کنند. در واقع هلال شیعی اصطلاحی است با سابقه آکادمیک در ادبیات آلمانی که نخستین بار در حوزه مباحث استراتژیک منطقه، ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، آن‌را در دسامبر ۲۰۰۴ در گفت و گو با روزنامه واشنگتن پست به هنگام دیدارش از ایالات متحده مطرح کرد (Washington post, 2004, December 8: P,A01). کاربرد این واژه همزمان با به حکومت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل‌کننده حوزه نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را در بر می‌گرفت (Afzali &

۱- Iconographic

(Kiani, 2012: 30).

ملک عبدالله معتقد بود که قریب به اتفاق نوار منطقه‌ای از دریای مدیترانه تا اقیانوس هند و دریای خزر که دارای منابع انرژی نفت و گاز سرشاری است، تحت نفوذ شاخه‌ای از اسلام شیعی قرار دارد. وی همچنین معتقد بود که این خیزش امپراتوری شیعه از طرف تهران حمایت می‌شود. حسنی مبارک، رئیس جمهور مخلوع مصر نیز در سال ۲۰۰۵ در مصاحبه‌ای با تلویزیون العربیه این واژه را تکرار کرد و گفت: شیعیانی که در کشورهای منطقه زندگی می‌کنند، بیش از اینکه به کشور خود وفادار باشند، به ایران وفادار هستند (Walker, 2007: 1).

بعد از این توضیح مختصر در باره هلال شیعی لازم به ذکر است که یکی از رویکردهای رایج در ایران رویکردی است که ژئوپلیتیک شیعه را همان هلال شیعی می‌داند و تفاوتی بین آنها قائل نیست. به‌عنوان نمونه آقایان افزلی و کیانی در مقاله‌ای که به همایش ژئوپلیتیک شیعه ارائه دادند مرتکب چنین برداشتی شده و معتقدند: ژئوپلیتیک شیعه تداعی کننده منافع تهدید کننده نقشه جغرافیایی کشورهای شیعه‌نشین در مقابل کشورهای سنی مذهب است. ژئوپلیتیک در تعریف واقعی خود یعنی رقابت واحدهای سیاسی بر سر سرزمین. بر این اساس سه رکن اصلی ژئوپلیتیک عبارت است از رقابت، سرزمین و واحدهای سیاسی. اگر ژئوپلیتیک شیعه را بر اساس تعریف پذیرفته شده بازخوانی کنیم، در این صورت این مفهوم به رقابت واحدهای سیاسی شیعه با دولتهای سنی مذهب اشاره دارد که بر سر سرزمین و یا منابع سرزمینی رقابت می‌کنند. این وضعیت در عین حال اتحاد و همبستگی این واحدها و پیوستگی نقشه سیاسی آنها را نیز در خود مستتر دارد. به‌طوری که برای تشریح این وضعیت از تعبیر هلال شیعی نیز استفاده شده است (Afzali & Kiani, 2012: 34). آنها پس از اینکه ژئوپلیتیک شیعه را به اشتباه معادل هلال شیعی می‌انگارند، دست به نقد و رد آن زده و می‌گویند: پراکندگی جمعیت شیعه در منطقه خاورمیانه و گسستگی نقشه جغرافیایی آنها و منافع قدرت ناشی از آن با این تعبیر سازگاری ندارد (Ibid: 30).

آقایان محمد ابوالفتحی، فرهاد دانش‌نیا و حمیدرضا حشمتی جدید نیز در مقاله‌ای که با عنوان «مفهوم ژئوپلیتیک شیعه؛ برآیند تقابل بین‌ذهنی انقلاب اسلامی و جبهه مخالف آن» در شماره ۹۳

مجله سیاست دفاعی منتشر کرده‌اند چنین نوشته‌اند: «همان‌طور که از معنای ژئوپلیتیک بر می‌آید، بار کردن و یا الحاق مفهوم شیعه به آنچه بار فرهنگی و هویتی دارد، نمی‌تواند معنایی غیر از قدرت طلبی شیعه و یا تشکیل نظام‌های سیاسی از سوی شیعیان در نواحی و مناطقی که در آن ساکن هستند، داشته باشد. این مفهوم را می‌توان معادل امپراتوری شیعه و هلال شیعی با مرکزیت ایران اسلامی که برژینسکی، سیاستمدار آمریکایی و ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از آن یاد می‌کنند، دانست. این هلال یا امپراتوری بخشهایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین و ایران را در بر می‌گیرد» (Abolfathi & et al, 2015: 146).

در هر حال ارائه مقالات و نوشته‌هایی در چارچوب این دیدگاه در حالی صورت می‌گیرد که به باور بسیاری از محققان، ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعی مفهوم واحدی نیستند. ژئوپلیتیک شیعه را باید واقعیتی جغرافیایی دانست، در حالی که هلال شیعی امری ایدئولوژیک و ساخته ذهن غربیان و متحدان منطقه‌ای آنها در خاورمیانه است (Zarghami & et al, 2014: 212).

۹-۳- تعاریف اخیر ژئوپلیتیک شیعه

در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ چند تعریف دیگر از این اصطلاح ارائه شد که البته تفاوت چندانی با رویکرد سنتی نداشتند. از جمله آگوست ریچارد نورتون^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک شیعه و شکاف میان اهل سنت و تشیع»، اصطلاح ژئوپلیتیک شیعه را به معنای «بازیگری و تأثیرگذاری کشورها و گروه‌های معتقد به مذهب شیعه در عرصه سیاست» تعریف کرده است (Norton, 2015). همچنین احمد نادری در کتابی با عنوان «ژئوپلیتیک شیعه و اسلام سیاسی در خاورمیانه»، اصطلاح ژئوپلیتیک شیعه را به این صورت تعریف کرده است؛ «ژئوپلیتیک شیعه به معنای تلاش کشورهای دارای گروه‌های مذهبی شیعه برای کسب قدرت و بازیگری در منطقه می‌باشد» (Naderi, 2015). نهایتاً آیاکووُس الحادف^۲ در کتاب «ژئوپلیتیک جنگ داخلی در کشورهای شیعه‌نشین»، ژئوپلیتیک شیعه را «تعریف مفهومی و عملیاتی قدرت، سیاست و

۱- Augustus Richard Norton

۲- Iakovos Alhadeff

حکومت از طریق منابع مذهب شیعه و تلاش برای گسترش آن در سطح منطقه و جهان». عنوان کرده است (Alhadeff, 2016).

۴- تجزیه و تحلیل تعاریف و دیدگاهها

آن گونه که از تعاریف و مطالب ذکر شده در بخش قبل بر می آید، مشخص می شود که دیدگاهها و نگرش های مختلف و متفاوتی در باره موضوع و ماهیت ژئوپلیتیک شیعه به خصوص در ایران وجود دارد. با اینکه از زمان طرح این مفهوم در دنیای فارسی زبان مدت زمان زیادی نگذشته ولی تعاریف و برداشت های متعدد و گاه ضد و نقیض از ژئوپلیتیک شیعه ارائه شده که مطمئناً در آینده می تواند رسیدن به اتفاق نظر را مشکل تر نماید.

به نظر می رسد که بیشتر دیدگاهها و تعاریف ارائه شده، ژئوپلیتیک شیعه را همان جغرافیای سیاسی شیعیان در نظر گرفته اند. منظور آنها از این اصطلاح، مجموعه ای از داده ها و اطلاعات مکانی و ویژگی های جغرافیایی مناطق شیعه نشین به خصوص بنیادهای زیستی و منابع انرژی بوده است. مطمئناً این دیدگاه نمی تواند تلقی و برداشت صحیحی از ژئوپلیتیک شیعه باشد.

همان طور که اشاره شد تعدادی از نویسندگان هم ژئوپلیتیک شیعه را معادل هلال شیعی انگاشته و بنابراین آنرا مفهومی غیر علمی و طرحی تخیلی و توطئه آمیز تفسیر کرده اند. حال آنکه ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعی نمی توانند به یک معنا قلمداد شوند و علی رغم مشابهت ظاهری یکی نیستند. بقیه تعاریف مطرح شده نیز علی رغم ارزشی که دارند از جامعیت نسبی برخوردار نبوده و هر کدام بخشی از موضوع را مورد توجه قرار داده اند. از اینرو نیاز به تعریفی جامع تر که نه تنها در بر گیرنده دیدگاههای مزبور باشد، بلکه بتواند با حفظ ثبات و پایداری نسبی، پاسخگوی جامعه علمی و محققان و علاقه مندان باشد و بتواند تحولات مربوطه در این حوزه را به خوبی پوشش دهد احساس می شود.

۵- نتیجه گیری و تعریف نگارنده از ژئوپلیتیک شیعه

به اعتقاد نگارنده پدیده شیعه یا سازه جغرافیایی و انسانی شیعه ابعاد مختلفی دارد و یکی از این

ابعاد مهم، بعد ژئوپلیتیک است. از آنجا که در مباحث ژئوپلیتیک، سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، سیاست و قدرت دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (Hafeznia, 2000: 85 and 2006: 37)، ژئوپلیتیک شیعه نیز باید با ارزیابی این سه عنصر اساسی مطرح و معنی‌دار شود.

عنصر اول جغرافیای به هم پیوسته و منسجم قلمروهای شیعی است که از قضا سرشار از قابلیت‌ها و منابع مختلف است. این عنصر، موقعیت، قلمرو و ظرفیت‌های جغرافیایی در زیستگاهی که شیعیان به صورت پیوسته و غیر پیوسته در آن زندگی می‌کنند را شامل می‌شود. در این فضای جغرافیایی طبق بیشتر منابع آماری رسمی، تقریباً ۱۵۰ میلیون شیعه زندگی می‌کنند که در واحدهای سیاسی متعددی توزیع شده‌اند (Ahmadi, 2011: 65). بنابراین پیروان این مذهب که عدد قابل توجهی هستند، در قلمروهایی زندگی می‌کنند که از انسجام برخوردار بوده و واحدهای این پیکره جغرافیایی با هم در تعامل هستند.

از طرفی دیگر جغرافیای قلمروهای شیعه‌نشین به گونه‌ای است که برای ایران و جوامع شیعی اطراف، ساختار مرکز-پیرامون را شکل داده و این امر، زمینه را برای نقش‌آفرینی مرکز در پیرامون و ابراز واکنش‌های مناسب پیرامون نسبت به مرکز را فراهم آورده است (Ahmadi, 2010: 69).

عنصر دوم به سیاست مربوط می‌شود. در این راستا ابتدا باید یادآوری کرد که تشیع از ابتدای ایجاد، دارای انگاره‌ها و آموزه‌های سیاسی خاصی بوده که این ویژگی در طول دوران‌های تاریخی توانسته نقش‌آفرینی کند. این توان نقش‌آفرینی از معارف، آرمانها و آموزه‌های اعتقادی عمیق تشیع نظیر عدالت، عاشورا، نفی سبیل، ولایت، انتظار و ... منبث شده است؛ یعنی عواملی که گاه از آن با عنوان ارزشهای شیعی یاد می‌شود (Amir zadeh & et al, 2016: 124). به گونه‌ای که مجموعه این آرمانها، آموزه‌ها و ارزشها نوعی فرهنگ سیاسی در مردم و پیروان مذهب تشیع به وجود آورده است. به عبارتی دیگر «ایدئولوژی برخاسته از مذهب شیعه، در بطن خود نوعی بالندگی و پویندگی قدرتمند به همراه دارد که می‌تواند در بین عوامل معنوی مؤثر، نقش برجسته و سرنوشت‌سازی داشته باشد. از مهمترین ویژگی‌های آن، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و ستمگری و ستم‌پذیری است (Akhavan Kazemi & Shah qaleh, 2014: 14)». بسیاری از اعتقادات مشترک شیعیان مانند اعتقاد به حضور منجی و اینکه مستضعفان وارث زمین خواهند

بود و تاریخ مشترکی که شیعه در ظلم ستیزی و استکبار ستیزی و تسلیم نشدن در برابر حکام جور و ستم دارد، وحدت فرهنگی و هویت فرهنگی مشترکی را بین آنها ایجاد کرده است (Rahbar & et al, 2016: 38). بدون شک مذاهبی که فاقد آموزه‌های اصیل یا حتی فاقد نمادهای الهام بخش هستند، نمی‌توانند تحرک قابل توجهی را در جوامع ایجاد نمایند. همین نقش سیاسی شیعه است که در چند دهه اخیر احیا شده و شیعه توانسته است به‌عنوان یک بازیگر سیاسی در صحنه جهانی و منطقه‌ای بویژه در ایران ظاهر شود.

عنصر سوم قدرت است. شیعه با نقش‌آفرینی سیاسی خود پیوندی با مفهوم قدرت برقرار می‌کند. سازه شیعه برای بازیابی حقوق از دست رفته خود در تکاپوی قدرت است. علاوه بر آن نقش‌آفرینی سیاسی شیعه با ساخت‌های قدرت ارتباط می‌یابد و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمود سیاسی شدن شیعه را می‌توان در پدیده انقلاب اسلامی به وضوح مشاهده کرد. هنگامی که شیعه توانست در فرایند سیاسی شدن، حکومت تشکیل دهد، به‌عنوان یک بازیگر رسمی در عرصه بین‌المللی مطرح شد. با قدرت‌یابی شیعه در ایران و تشکیل حکومت، شیعه وارد مناسبات قدرت شد و نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات قدرت جهانی و منطقه‌ای پیدا کرد.

به این ترتیب با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شیعه به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در حیطه‌های داخلی و خارجی کشورهای منطقه مطرح شد (Mahkouyi & Bavir, 2016: 225). به استثنای ایران، سوریه و تاحدی عراق پسا صدام، شیعیان در اغلب کشورها در اقلیت محسوسی از لحاظ سهمیم بودن در عرصه قدرت سیاسی - حکومتی قرار دارند. این شیعیان در همیشه تاریخ در محرومیت شدید قرار داشته‌اند و میزان سرکوب این اقلیت توسط اکثریت‌های سنی تا حدی بوده است که آنان را «مسلمانان فراموش شده» (Fuller and Francke, 1999) می‌نامیدند. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در ساختن یک حکومت شیعی مبتنی بر تئوری مذهبی، در سیاسی شدن جمعیت شیعیان و اصطلاحاً آنچه بیداری شیعی و «احیای شیعی» (Nasr, 2007) نامیده می‌شود، آنان را به‌عنوان یک بازیگر داخلی در درون حکومت‌ها مطرح نمود. خود آگاهی شیعیان در عرصه اجتماعی - سیاسی درون کشورهای عرب و در ارتباط با مطالبه حقوق اجتماعی و دستیابی به منابع منزلت، اقتدار و ثروت، به مرور زمان حاکمان سنی را مجبور به پذیرش حقوق شیعیان

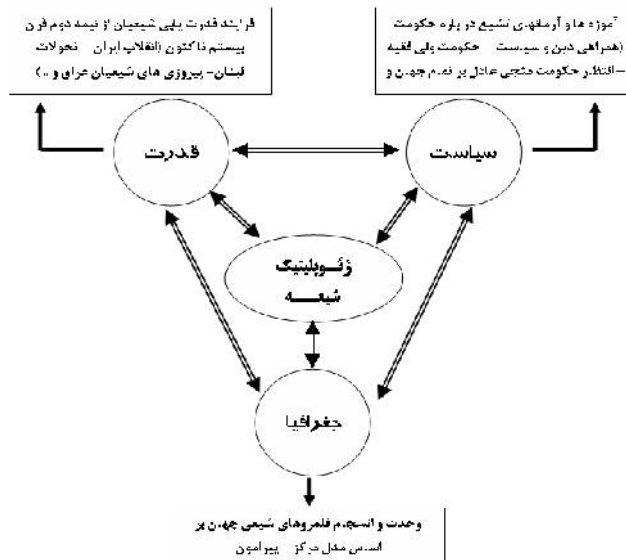
و نقش آنان در عرصه های داخلی کرده است (Naderi, 2014: 130).

در سطح بین‌المللی، اولین اثرگذاری سازه شیعه بسترسازی برای سقوط نظام دوقطبی در جهان بود. در واقع شروع لرزش و ریزش در ساختار قدرت دوران جنگ سرد، با وقوع انقلاب اسلامی شروع شد. در دوران جنگ سرد و پیش از انقلاب اسلامی، دو ساخت قدرت غرب و شرق به توازن جغرافیایی و ژئوپلیتیکی رسیده بودند که این موازنه فضایی با انقلاب اسلامی از بین رفت. کشور ایران یکی از اجزای مهم در موازنه قدرت دوران جنگ سرد بود. خروج ایران از این نظام که با پیروزی انقلاب اسلامی انجام پذیرفت، باعث به هم خوردن این موازنه فضایی شد و غرب را در موقعیتی فرودست و شرق را نسبت به آن در موقعیتی فرادست قرار داد. شرق در آن زمان با انجام عملیاتی نظامی و نفوذی، افغانستان را که موقعیتی حساس در کنار ایران دارد، به اشغال نظامی درآورد. در این روند، موازنه به‌طور مضاعف به‌سود شرق و به ضرر غرب تمام شد. آمریکایی‌ها از این موضوع به‌شدت وحشت کردند و این مسئله موجب شد به‌سرعت نیروهای واکنش سریع توسط آنها تشکیل شود. در پی آن سیاست‌های آمریکا در منطقه و استراتژی‌های برخورد با سیستم شرق، مورد بازنگری قرار گرفت. گمان جهان غرب بر این بود که ایران به سمت شرق خواهد گرائید. اما این موضوع صورت نگرفت. این تحولات زمینه سقوط نظام دوقطبی را فراهم کرد. از این مسئله می‌توان به‌عنوان اثری که تشیع بر ساختار قدرت جهانی گذاشت یاد کرد. در جهان کنونی نیز نقش سیاسی رسمی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگری بسیار تعیین‌کننده در سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای مطرح است. جمهوری اسلامی ایران امروزه عملاً قلمرو ژئوپلیتیکی شیعه در جهان را نمایندگی و پشتیبانی می‌کند و قلمرو نفوذ خود را در آن توسعه می‌دهد (Hafeznia, 2017: 162).

این نقش‌آفرینی یا ارتباط یافتن شیعه با ساختار قدرت با ترکیب سه مؤلفه جغرافیا، سیاست و قدرت مفهومی به نام ژئوپلیتیک شیعه را شکل می‌دهد. در رویکرد ژئوپلیتیک شیعه، دغدغه اساسی انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی که نماد سیاسی شدن شیعه است، اتحاد و عزت مسلمانان و نجات آنان از سلطه سیاست جهانی بوده است. شیعه تحت نماد جمهوری اسلامی برای به عزت رساندن مسلمین پیشگام نقش‌آفرینی سیاسی شد. حرکت سیاسی / مذهبی شیعه در

ایران از طریق یادگیری و الگوبرداری به دیگران منتقل شد و جنبش‌هایی بر پایه دین و مذهب برای به دست گرفتن حاکمیت و قدرت نه تنها در جهان اسلام، بلکه در سایر قلمروهای دینی جهان را باعث گردید. به عبارتی جنبشهای سیاسی دین محور و مذهب پایه که در دهه‌های اخیر در مناطق مختلف جهان رخ داده است، تا حدی متأثر از سیاسی شدن مذهب شیعه در ایران است. هر چند بخشی از همین جنبشها در قلمرو جهان اسلام سنی مذهب خود را در برابر سازه شیعه مذهب تعریف می‌کنند.

مدل شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه



Ahmadi, 2017

به این ترتیب با توجه به تبیین نقش زیربنایی سه عامل اساسی جغرافیا، سیاست و قدرت در ارتباط با پدیده تشیع می‌توان تعریف زیر را از ژئوپلیتیک شیعه ارائه داد:

«ژئوپلیتیک شیعه عبارت است از تلفیق ظرفیت‌های جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین با آرمانها و آموزه های موجود در فرهنگ سیاسی تشیع که توانست آنها در مسیر قدرت‌یابی قرار دهد و به برقراری مناسبات و تعاملات مرکز- پیرامون در قالب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ایران به‌عنوان کانون

قلمروهای شیعی و اقلیت‌های شیعی پیرامون ایران پس از انقلاب اسلامی منجر شود». بر اساس این تعریف، خلق مفهوم ژئوپلیتیک شیعه محصول رخ دادن تحول بزرگی به نام انقلاب اسلامی در کانون جغرافیایی قلمروهای شیعی یعنی ایران است. با این دگرگونی کم‌نظیر، که به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، مهمترین رخداد نیمه دوم قرن بیستم بود، تشیع در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت. پس از آن، ایران با ماهیت انقلابی و شیعی، نقش‌آفرینی خود را در عرصه بین‌المللی و عمدتاً در تقابل با قدرتهای بزرگ آغاز کرد. پشتوانه معارف غنی اسلام و تشیع که نظام اعتقادی عمیق رهبران و نیروهای انقلاب را شکل داده بود، قدرت مقاومت ایران را در مقابل ناملایمات بین‌المللی افزایش داد. علاوه بر آن، در کنار این رخداد سیاسی مهم، موهبت‌های خدادادی نظیر موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در منطقه سرشار از انرژی خلیج فارس و نیز وجود اقلیت‌های شیعی در پیرامون، ایران را به بازیگری مهم در عرصه منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. مجموعه این اتفاقات، در کنار تحولاتی که البته اهمیت کمتری نسبت به انقلاب اسلامی داشتند، مثل جنگ‌های داخلی لبنان، دست به دست هم داده و به مذهب شیعه ماهیت ژئوپلیتیک بخشیدند. بهره‌مندی از ماهیت ژئوپلیتیک برای یک مذهب به این صورت رخ می‌دهد که کانون نقش‌آفرینی جدید داخلی و بین‌المللی خود را آغاز می‌کند. اقلیت‌های فضایی پیرامون تحت تأثیر قرار گرفته و به‌سوی سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن حرکت می‌کنند. تعاملات و مناسبات مرکز-پیرامون بین اقلیت‌ها و مرکز جغرافیایی آن مذهب تشدید می‌شود. به این ترتیب حوزه نفوذ مرکز در مناطق پیرامونی گسترش پیدا می‌کند. به‌عبارتی دیگر، مرکز مکمل‌های فضایی اطراف را که از نظر مذهبی با او احساس سنخیت و اشتراک می‌کنند را جزء تعلقات ژئوپلیتیک خود به‌شمار می‌آورد و نسبت به مسائل آنها حساسیت نشان می‌دهد. طبق این مدل ایران نیز به‌عنوان کانون جوامع شیعی در جهان، پس از انقلاب اسلامی نقش‌آفرینی منطقه‌ای و جهانی خود را در این زمینه شروع کرد. فعالیت‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای و ... در خارج از مرزها، حاکی از عملکرد بین‌المللی ایران بعد از انقلاب است. اقلیت‌های شیعه نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفتند و با خودآگاهی و هویت‌یابی، احزاب و تشکلهای متعددی را در کشورهاشان تأسیس کردند. به دیگر سخن، فضاهاى اطراف ایران نیز

در قالب لایه‌های پیرامون و نیمه پیرامون، از تحولات رخ داده در کانون متأثر شده و عمدتاً به سمت فعالیت و مشارکت سیاسی و قدرت‌یابی حرکت کردند (Esposito, 1999: 105). مناسبات بین این اقلیتها و ایران هم به میزان زیادی افزایش یافت. این مناسبات در شکل پذیرش دانشجو، گسترش رفت و آمدها، افزایش گردشگران زیارتی، راه‌اندازی نمایندگی‌های فرهنگی و ... قابل مشاهده است. این نمونه‌ها نشانه حضور و نقش‌آفرینی قابل توجه ایران در ماورای مرزهای ملی اش است.

در مرحله بعد، به موازات گسترش حوزه نفوذ یک کشور، واکنش‌های مقابله‌ای آغاز می‌شود. رقیبان منطقه‌ای و جهانی با برخی اقدامات تلاش می‌کنند تا انبساط فضایی به وجود آمده را محدود و کنترل کنند. همان‌طور که گسترش حوزه نفوذ ایران پس از انقلاب، خشم برخی از گروههای تندرو سنی را در کشورهای منطقه برانگیخت. آنها با همکاری تعدادی از حاکمان و نیز با راهنمایی برخی از کشورهای غربی، به مقابله با سیاست‌ها و اقدامات ایران در منطقه پرداختند. اقداماتی که می‌توان آنها را در چارچوب پدیده شیعه‌هراسی تحلیل کرد. هر چند خود سیاست شیعه‌هراسی نیز نشانه‌ای از ظرفیت بالای قدرت نرم آموزه‌های شیعی به‌شمار می‌رود (Zarghani & Ahmadi, 2017: 25). حتی در کشورهای منطقه آسیای مرکزی که شیعیان درصد کمی از کل جمعیت را در بر می‌گیرند، در عین حال همواره از سوی اسلام‌گرایان تندرو و به خصوص وهابی‌ها و سلفی‌ها مورد تهدید قرار می‌گیرند (Bahman, 2014: 192).

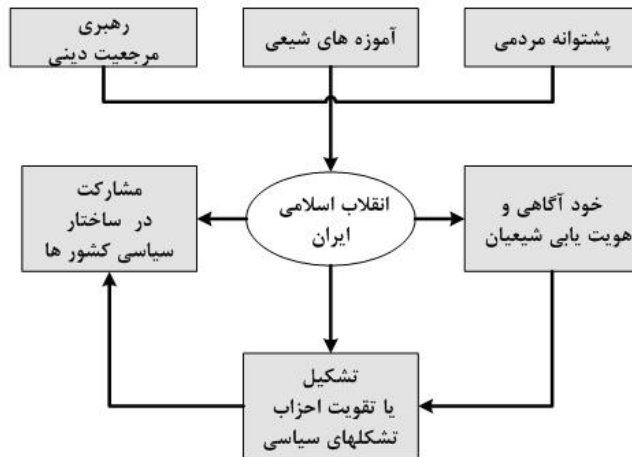
نکات مهم در مدل ژئوپلیتیک شیعه

۱. در این مدل نقطه آغاز موج سیاسی شدن معاصر با هویت دینی و مذهبی در جهان، سیاسی شدن شیعه است. این مسئله یکی از نقش‌های ژئوپلیتیکی است که شیعه ایفا کرده است.
۲. شیعه همچنین هدف اتحاد مسلمانان در جهت نجات از سیاست سلطه جهانی را دنبال کرده است. تلاش برای اثرگذاری بیشتر و گسترش حوزه نفوذ کانون قلمروهای شیعی یعنی ایران نیز امری کاملاً طبیعی و پذیرفته شده در روابط بین‌الملل و به‌عنوان یک استراتژی کاربردی در راستای اتحاد و عزت مسلمانان و نجات آنان از سلطه جهانی عمل کرده است.

۳. طبق این تعریف ژئوپلیتیک شیعه در مقابل ژئوپلیتیک سنی قرار نمی‌گیرد. مفاهیم اصیل ژئوپلیتیک فرهنگی انقلاب اسلامی ناظر بر وحدت اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلامی هستند نه تفوق شیعی بر جهان اسلام. بر اساس این تعریف، همه شیعیان بلکه کل جهان اسلام به یک حرکت واحد در مقابله با استکبار جهانی فراخوانده می‌شوند.
۴. بر اساس این مدل، سیاسی شدن شیعه در دنیا و برخورداری تشیع از موقعیت ژئوپلیتیک، در چارچوب انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگترین رخدادهای نیمه دوم قرن بیستم معنا پیدا کرد. البته انقلاب ایران یک انقلاب شیعی صرف نبود و دغدغه تمام مسلمانان و مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان را داشت؛ ولی به‌طور طبیعی قلمروهای شیعی بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفتند و نسبت به آن واکنش نشان دادند.
۵. با توجه به این تعریف جدید، ژئوپلیتیک شیعه نه به‌معنای امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در خارج از ایران است، نه معادل اصطلاح تخیلی و غیر علمی هلال شیعی و نه محدود در یک دوره تاریخی خاص. ژئوپلیتیک شیعه مفهومی است علمی با ابعاد و جنبه‌های مشخص که پس از انقلاب اسلامی در ایران و تحت تأثیر آن در منطقه غرب آسیا شکل گرفته است. بنابراین شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه مسئله‌ای ارادی و اختیاری نیست که به خواست ایران یا به ادعای دشمنان آن متولد شود. بلکه واقعیتی علمی و طبیعی است و باید با این نگاه به آن نگریسته شود.
۶. ژئوپلیتیک شیعه پس از شکل‌گیری سه مرحله تکاملی را سپری کرده است. مرحله اول هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان با پیروزی انقلاب اسلامی است که هویت دینی داشت و بر اساس آموزه‌های اسلام شیعی بود و رهبری آنرا یک عالم دینی یعنی امام خمینی بر عهده داشت. در این مرحله به‌تدریج روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان که رو به خاموشی می‌رفت تقویت شد. به‌عبارتی دیگر، انقلاب ایران در این مقطع زمانی موجب شهرت شیعه در جهان شد. مرحله دوم شکل‌گیری تشکل‌های سیاسی بر اساس بیداری اسلامی ناشی از انقلاب ایران بود که با ارتقای سطح آگاهی و هویتی مسلمانان، تعداد قابل توجهی از احزاب و تشکل‌های سیاسی در کشورهای منطقه، هم در میان جوامع شیعی مثل عراق، لبنان، بحرین

و هم در جوامع غیر شیعی مثل فلسطین به وجود آمدند و یا تقویت شدند. مرحله سوم نیز نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها است که با ارتقای سطح فکری و تشکیلاتی شدن شیعیان منطقه رخ داد. آنان به تدریج توانستند در مسیر تکامل سیاسی گام بردارند و در ساختار سیاسی حکومتها نقش آفرینی کنند. این مراحل نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان و به خصوص شیعیان در اثر انقلاب اسلامی از روحیه انقلابی مردم ایران الهام گرفته و با خودباوری و کشف هویت نیرومند خود در میدان سیاسی حرکت کرده‌اند.

مدل سیر تکاملی ژئوپلیتیک شیعه



Ahmadi, 2017

۶- قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به خاطر فراهم آوردن شرایط انجام این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورد.

References

1. Aboulfathi, Mohammad; Danesh nia, Farhad and Heshmati Jadid, Hamid Reza (2015). Concept of Shiite geopolitics; the contrast between the Islamic Revolution and the opposing front. Tehran: Defense Policy Magazine. Vol.24, No.93 [In Persian].
2. Adhikari, S (1997). Political Geography, Jaipur: Rawat Publications.
3. Afzali, Rasoul and Kiani, Vahid (2012). Shiite geopolitics readout; a new approach to debate. Papers of the Shiite Geopolitics Conference. Tehran: Iranian Association of Geopolitics [In Persian].
4. Ahmadi, Seyed Abbas (2010). The role of religion in expanding the sphere of influence; Case study: Shiism and Iran. Tehran: Geopolitics Quarterly. Vol.6, No.1 [In Persian].
5. Ahmadi, Seyed Abbas (2011). Iran, Islamic Revolution and Shiite Geopolitics. Tehran: Andyshsazan Nour Publications [In Persian].
6. Akhavan Kazemi, Massoud and Shah Qaleh, Safi Allah (2014). A redefinition of Shiite geopolitics by looking at the Bahraini revolution. Qom: Shiite studies Quarterly. Vol.12, No.45 [In Persian].
7. Alhadeff, Iakovos (2016). The Geopolitics of the Civil War of Shia Islam, Russia: Smash words.
8. Amirzadeh, Reza; Zeynali, Sadeq and Zamani Rad, Hojjat (2016). The role of Shi'i values in public diplomacy. Tehran: Geopolitics Quarterly. Vol.12, No.2 [In Persian]
9. Bahman, Shoaib (2014). Geopolitics of Shiism in Central Asia. Tehran: Andyshsazan Nour Publications. [In Persian].
10. Black, Ian (2007). Fear of a Shia full moon, Events are proving that the king of Jordan was right to warn of a 'Shia crescent' across the Middle East - even though the phrase was a tad undiplomatic, Guardian Newspaper, Friday 26 January 2007, See <http://www.guardian.co.uk/world/2007/jan/26/worlddispatch.ianblack> accessed May 2013.
11. Esposito, John. L (1999). The Iranian revolution: its global impact (Miami: 1999).
12. Fazelinia, Nafiseh (2007). Shiite geopolitics and western anxiety about Islamic Revolution. Qom: Shiite Studies publications [In Persian].
13. Fuller, Garham E & Francke, Rend Rahim (1999), The Arab Shi'a, The Forgotten Muslims, London: Macmillan.
14. Gause III, F.Gregory (2010), The International relations of the Persian Gulf, Cambridge, Cambridge university press.
15. Hafeznia, Mohammad Reza (2000). A new definition of geopolitics. Mashhad: Geographic Research Quarterly. Vol.15, No. 58-59 [In Persian].
16. Hafeznia, Mohammad Reza (2006). Principles and concepts of geopolitics. Mashhad: Papoli Publications [In Persian].
17. Hafeznia, Mohammad Reza (2015). Interview with French Conflict Quarterly.

May 2015.

- 18.Hafeznia, Mohammad Reza (2017). Principles and concepts of geopolitics (New Edition with revision). Mashhad: Papoli Publications [In Persian].
- 19.Javedani Moghaddam, Mehdi (2012). The new geopolitics of Shiism in the Middle East and foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Geopolitics Quarterly. Vol.8, No.2 [In Persian].
- 20.Kolahmal Hamedani, Ahmad (2012). introduction to the Shiite Geopolitics and Shiite Geostrategy Conceptual pattern. Papers of the Shiite Geopolitics Conference. Tehran: Iranian Association of Geopolitics [In Persian].
- 21.Mahkouyi, Hojjat and Bavir, Hasan (2016). Shiite geopolitics and its role in Iran-Pakistan relations. The Quarterly journal of Political Studies of Islamic World. Vol.5, No. 18 [In Persian].
22. Mayel Afshar, Farahnaz (2004). Shiite geopolitics. Siast rouz newspaper. 25/5/2004 [In Persian].
- 23.Mojtahed Zadeh, Pirouz (2007). Democracy and Iranian Identity. Tehran: Kavir Publications [In Persian].
- 24.Mojtahed Zadeh, Pirouz (2012). Philosophy and Function of Geopolitics (Concepts and Theories in the Age of Cyberspace). Tehran: Samt Publications [In Persian].
- 25.Naderi, Ahmad (2014). From state-oriented geopolitics to civilization-oriented geocalctics; The Middle East; the battlefield of civilizations. in the battleground of civilizations. Jurnal of Soft Power. Vol.4, No.10 [In Persian].
- 26.Naderi, Ahmad (2015). Shia Geopolitics and Political Islam in the Middle East, Germany: WeltTrends, Potsdam.
- 27.Nasr, Vali(2007). The Shia Revival, How conflicts within Islam will shape the future. New York: Norton publisher.
- 28.Norton, Augustus Richard (2015). The Geopolitics of Shia and the Sunni-Shia Rift, in Regional Insecurity after the Arab Uprisings: Narratives of Security and Threat, Edited by Elizabeth Monier, UK: Springer.
- 29.Pishgahi fard, Zahra, Nosrati, Shahriar and Bazdar, Shahnaz (2015). Shiite geopolitics and Iran's territoriality in the eastern Mediterranean. Qom: Shiite Studies Quarterly. Vol.13, No.49 [In Persian].
- 30.Rahbar, Abbasali, Nejatpour, Majid and Yazdanpanah Mohammad (2016). Evaluation of Shiite Geopolitics Theory in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. Journal of Islamic Revolution Approach. Vol.10, No. 36 [In Persian].
- 31.Safari Foroushani, Nematollah and Alami, Seyed Alireza (2014). A critique on a Shia geopolitics book. Qom: Shiite Studies Quarterly. Vol.12, No.45 [In Persian].
- 32.Saradar, Hamid and Yasini, Seyed Esmaeil (2012). Review of François Thual's Viewpoints on Shiite Geopolitics. Papers of the Shiite Geopolitics Conference. Tehran: Iranian Association of Geopolitics [In Persian].
- 33.Thual, Francois (2000). Geopolitique du chisme. Translated by Alireza Qasem

- Agha. Tehran: Amen Publications [In Persian].
- 34.Thual, Francois (2001). Geopolitique du chisme. Translated by Hasan Sadough Venini. Tehran: Shahid Beheshti Universiti Press [In Persian].
- 35.Thual, Francois (2003). Geopolitique du chisme. Translated by Katayun Baser. Tehran: Vistar Publications [In Persian].
- 36.Walker, Martin (2007). The Revenge of the shia. The Wilson Quarterly. (<http://gees.org/documentos/document-02311.pdf>).
- 37.Washington post newspaper, Robin Wright and Peter Baker, Iraq, Jordan See Threat To Election From Iran, Wednesday, December 8, 2004; Page A01,<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/articles/A43980-2004Dec7.html>
38. Zarghami, Bazin, Shooshtari, Seyed Mohammad Javad and Ansari Zadeh, Salman (2014). Shiite geopolitics or Shiite Crescent (foundations, goals and approaches). Quarterly journal of human geography research Quarterly. Vol.46, No. 1 [In Persian].
- 39.Zarghani, Sayed Hadi and Ahmadi, Ibrahim (2017). Shiite phobiaas as Discourse Territoriality of Western-Arab in Middle East Geopolitical Crises (Case Study: The Syrian Crisis). Tehran: Geopolitics Quarterly. Vol.13, No.1 [In Persian].